

مجله ی بین المللی تحقیقات علمی علوم اجتماعی  
مجلة البحوث العلمية العالمية للعلوم الاجتماعية  
Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi  
International Journal of Social Science Research

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۲ شماره: ۰۲ سال: ۱۴۰۰  
Volume: 2 Issue: 2 Year: 2021

زکات کشت ها و میوه ها

زکاة الزروع و الثمار

Ekin ve Meyvelerin Zekatı

Zakat on Farms and Fruits

Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2021.8>

پوهنیار محمد نور مدبر\*

#### Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Resarch Article

Geliş Tarihi / Received Date: 21.12.2019

Kabul Tarihi / Accepted Date: 18.03.2021

#### معلومات مقاله / المعلومات للمقالة

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / تحقیقیة

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین (Turnitin) بررسی شده (plagiarism) یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال (Turnitin) ولم يثبت أنه من السرقات الأدبية.

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal tespit edilmemiştir.

This article has been scanned by Turnitin. No plagiarism detected.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

محمد نور مدبر، "زکات کشت ها و میوه ها"، مجله دیوان ۲/۲ (سرطان ۱۴۰۰)، ۲۵-۳۷.

#### Atıf

Mohammad Noor Modabber, "Ekin ve Meyvelerin Zekatı", *Diwan Dergisi* 2/2 (Temmuz 2021), 25-37.

\* عضو کادر علمی دیپارتمنت فقه و قانون دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ / افغانستان.

ORCID ID: 0000-0003-0045-9965

## چکیده

## واژه های کلیدی:

زکات کشت ها و میوه ها به دلیل از قرآن و سنت و اجماع و عقل فرض است. شرایط خاص زکات کشت ها و میوه ها: اینکه زمین عشری باشد، وجود چیز خارج و اینکه چیز خارج از اشیائی باشد که مقصود از کشت آنها نموی زمین میباشد. زکات در هر چیزی که زمین آن را بیرون کرده است فرض میشود. نصاب برای فرضیت عشر شرط است و آن پنج وسق (۶۵۳ ک گ) است. عشر در آنچه بدون مشقت آبیاری می-شود فرض میشود و نصف عشر در آنچه با مشقت آبیاری میشود فرض میشود و اما صفت فرض: پس آن جزء از چیز خارج یا قیمت آن است. زمان فرضیت: وقت بیرون شدن کشت و نمایان شدن میوه است و مراد از فرضیت زکات به آنچه ذکر شد: اخراج آن فی الحال نیست، بلکه انعقاد سبب اخراج میوه و کشمش و دانه تصفیه شده در وقت این چنین گردیدن است. انواع میوه برخی آن با برخی یکجا میشود و همچنین انواع کشمش برخی آن با برخی و انواع گندم برخی آن با برخی یکجا میشود و همچنین انواع سایر دانه ها؛ و میوه ها جنسی با غیرش یکجا نمیشود و دانه های مختلف برخی آن با برخی یکجا نمیشود. عشر در زمین های وقفی فرض میشود. زکات زمین بر اجاره دهنده است و اگر فرضیت زکات بر اجاره گیرنده نافعتر برای فقراء باشد، بر او فرض میشود.

## مُلَخَّصٌ

## الكلمات المفتاحية:

قد ثبت وجوب زكاة الزروع و الثمار بالأدلة من الكتاب والسنة والإجماع والقياس. وهناك شروطاً لوجوب زكاة كل ما تخرجه الأرض من الزروع والثمار، منها؛ أن تكون الأرض عشرية، وأن يكون القصد به استغلال الأرض. ويشترط لوجوب العشر أن يبلغ الناتج نصاباً، و يبلغ النصاب خمسة أوسقٍ وهي تساوي (٦٥٣) كيلو غرام. ويجب إخراج العشر فيما سقي بغير كلفة كالمسقى بماء المطر أو الأنهار، ونصف العشر فيما سقي بكلفة كالمسقى بالنواضح أو بالدوالي. وزكاة الزروع والثمار هي جزء مما أخرجته الأرض أو ثمنها بعد حصاد الزرع ونضج الفواكه، ولا يشترط إخراجها في الفور حين الحصاد وإنما يتم بعد تنقية المحاصيل من الزروع والثمار. وهناك ثمار والزروع يختلط بعضها ببعض كالزبيب، والقمح... وهناك فواكه لا يختلط بعضها بغيرها كما أن بعض الحبوب لا يختلط مع الحبوب الأخرى. ويجب العشر في أراضي الوقف أيضاً، وأما زكاة الأرض على المؤجر إلا إذا اقتضت حوائج الفقراء إخراجها من قبل المستأجر.

الزكاة، العشر،  
الزرع، الثمار.

**Anahtar Kelimeler:**

Zekat, Öşür, Ekin,  
Meyve.

**Özet**

Ekin ve meyvelerin zekatı Kur'an, Sünnet, İcma' ve Aklî delillere binaen farzdır. Ekin ve meyvelere has zekat şartları: Yerden çıkan her şey için zekat farzdır. Hasat ürünlerine zekat düşmesi için öşür şartı vardır ve bunun da ölçüsü beş visk (653 k g)tir. Öşürün farz olabilmesi için o arsanın insan emeği olmadan kendiliğinden sulanması lazımdır. İnsan emeği ile sulanan tarlanın ürünleri için de öşürün yarısı farz olmuş olur. Ürün ve meyvelerin belirmeye başladığı zaman öşür far olur. Vakıf arazileri için de öşür gereklidir.

**Keywords:**

Zakat, Usher,  
Cultivation, Fruit.

**Abstract**

Zakat of Farming the crops and fruits is assumed to be due to the Qur'an, tradition, consensus and reason. There are special Conditions for Zakat of farming Crops and Fruits: That the farm must be the land of Aushry (one-tenth), that something should grow from the land, and that something should have a value. Zakat is assumed to be from anything taken out of the land. The range of eligibility for paying zakat is (653 kg). The farmer has to pay 10% of his growth to the poor when the cultivation is normal from natural resources and 5% when its watered by other sources with hardship. We can pay the anything growth out the land or its price. The time the farmer should pay its Zakat is when the fruit or crops show up but it can be paid any time the fruits and corps are collected. The fruits and corps can be mixed by its type but two types of is not needed to mix for fulfilling the eligibility. Zakat is also applicable for dedicated lands. The person who is giving the lease should pay its Zakat. If it is for the benefit of the poor, the person who taking the lease should pay it zakat.

## مقدمه

الحمد لله الذى هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و صحبه و من اقتدى به.

اما بعد:

زکات بزرگ ترین حقی است در اموال افراد مسلمان برای اشخاص مستحق. و یکی از اقسام آن زکات کشت‌ها و میوه‌ها است و کشور ما یک کشور زراعتی است؛ پس این قسمی از زکات را خوب بشناسیم. برای شناخت موضوع عنوان «زکات کشت‌ها و میوه‌ها» را اتخاذ کردیم.

اهمیت تحقیق: اهمیت تحقیق در زکات کشت‌ها و میوه‌ها را درک می‌کنیم؛ تا نسبت به این موضوع شناخت کامل داشته باشیم. و به طور دقیق حقایق در مورد زکات کشت‌ها و میوه‌ها را بدانیم؛ تا مفید بوده و راهی برای رسیدن به صواب در یک موضوع حساس باشد و آسانی ایجاد کند.

اهداف تحقیق: می‌خواهیم که زکات کشت‌ها و میوه‌ها را بشناسیم؛ تا تعاملات ما در این موضوع طبق آنچه که مناسب‌تر است باشد و برای ما سهولت به بار آورد.

روش تحقیق: در این تحقیق از تعریف به سوی حکم می‌رویم؛ و مذاهب و آراء فقهاء را در مورد موضوع بیان می‌کنیم و ترجیح بین این مذاهب و آراء را ذکر می‌نماییم و کار ما کتاب خانه ای می‌باشد. پیشینه تحقیق: موضوع در کتب فقه در ذیل بحث زکات آمده است، و لیکن من نوشته‌ای را نیافتم که موضوع زیر عنوانی که انتخاب کردم مستقلانه مطالعه شده باشد؛ باور دارم که پیش بروم و این بحث را بنویسم.

مهم‌ترین کتاب‌های فقه که موضوع در آن‌ها بحث شده است قرار ذیل است:

- الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية-الكويت.

- الفقه الإسلامي وأدلته، وهبة الزحيلي.

- الفقه على المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيري.

- فقه السنة، سيد سابق.

- رد المختار على در المختار، محمد أمين بن عابدين الشامي.

- الهداية فى شرح البداية، علي بن أبي بكر المرغيناني.

- بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، علاء الدين الكاساني.

- الفقه الحنفي فى ثوبه الجديد، محمود طهماز.

**تعریف کشت و میوه:**

کشت عبارت از خوردنی ها و غیر آن است که با بذر به قصد بهره گیری زمین رویانیده شده است. و میوه عبارت از بارهای خوردنی درختان و بوته ها مانند تربوز است.<sup>۱</sup>

**فرضیت زکات کشت ها و میوه ها<sup>۲</sup>**

این زکات به دلیل از قرآن و سنت و اجماع و عقل فرض است: هرچه قرآن: قول الله تعالی: ﴿وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾<sup>۳</sup> ترجمه: و حق آن را روز برداشت محصول آن بدهید. ابن عباس فرمود: حق آن، زکات فرضی است. و فرمود: عشر، و نصف عشر است.<sup>۴</sup> هرچه سنت: قول پیامبر ﷺ «فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْعُيُونُ أَوْ كَانَ عَثَرِيَا الْعُشْرُ، وَمَا سُقِيَ بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ»<sup>۵</sup>. ترجمه: در آنچه آسمان و چشمه ها سیراب کنند یا از سنگاب آب بخورد عشر است و آنچه با پاشیدن آب آبیاری شود نصف عشر است.

هرچه اجماع: امت بر فرضیت عشر یا نصف آن اجماع کرده است.<sup>۶</sup> و هرچه عقل: چون اخراج عشر به فقیر از باب شکر نعمت است و قادر کردن عاجز است و تقویت او بر انجام فرایض است و از باب پاک نمودن نفس از گناهان و تزکیه آن است و همه این ها عقلاً و شرعاً لازم هستند.<sup>۷</sup>

**شرایط زکات کشت ها و میوه ها:**

برخی شرایط عمومی در هر زکات وجود دارند مثل اهلیت بلوغ و عقل، پس در نزد حنفی ها در دارایی کودک و مجنون زکات فرض نمی شود به جز زکات چیز بیرون شده از زمین، و مثل اسلام، پس بر کافر زکات فرض نمی شود؛ چون در زکات معنی عبادت است و کافر اهل مکلف شدن به عبادت نیست.<sup>۸</sup>

و به این شرایط، شرایط خاص این زکات افزوده می شود، با تفصیلات آن در مذاهب.

<sup>۱</sup> أبو محمد محمود بن محمد بن أحمد بن خطاب السبكي، الدين الخالص (بی جا: بی نا، ۱۴۰۱)، ۲۲۰.

<sup>۲</sup> أبو بكر بن مسعود الكاساني الحنفي علاء الدين، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع (بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۹۸۲)، ۵۳/۲.

<sup>۳</sup> الأنعام، ۱۴۱/۶

<sup>۴</sup> السيد سابق، فقه السنة (بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۹۷)، ۳۴۷/۱.

<sup>۵</sup> أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، تحقيق. محمد زهير بن ناصر الناصر (بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲)، "الزكاة"، ۵۵.

<sup>۶</sup> يوسف القرضاوي، فقه الزكاة (بی جا: بی نا، بی تا)، ۳۰۷/۱.

<sup>۷</sup> وهبة بن مصطفى الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته (دمشق: دار الفكر، بی تا)، ۲۳۶/۳.

<sup>۸</sup> الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۲۳۶/۳.

در نزد حنفی ها<sup>۹</sup> علاوه بر شرایط عمومی موارد آتی شرط می شوند:

۱- این که زمین عشیری باشد: پس زکات در زمین خراجی فرض نمی شود؛ چون عشر و خراج در نزد اینان در یک زمین جمع نمی شوند.

۲- وجود چیز خراج: پس اگر زمین چیزی خارج نسازد، عشر فرض نمی شود؛ چون فرض جزء چیز خارج است.

۳- این که چیز خارج از اشیائی باشد که مقصود از کشت آن ها نموی زمین و بهره برداری آن می باشد، پس این زکات در هیزم و علف و مانند این ها فرض نمی شود؛ زیرا زمین به کشت این ها نموی نمی کند.

و در نزد امام ابو حنیفه برای فرضیت عشر نصاب شرط نمی باشد، پس عشر در زیاد چیز خارج و کم آن فرض می شود.

مالکی ها<sup>۱۰</sup> دو شرط را شرط کردند:

۱- این که حاصل از دانه ها و از میوه ها (خرما و کشمش و زیتون) باشد و در میوه های تازه مثل سیب و انار زکات نیست و در سبزیجات و سبزی ها هم زکات نیست.

۲- این که حاصل با نصاب باشد و آن پنج وسق (۶۵۳ ک گ)<sup>۱۱</sup> می باشد.

شافعی ها سه شرط را شرط کردند<sup>۱۲</sup>

۱- این که حاصلی که زمین آن را بیرون می سازد از چیزهایی باشد که خوراکی هستند و ذخیره می شوند و انسانها آنها را می رویانند: پس از دانه: گندم، جو، ارزن، جواری، برنج، عدس، نخود و چیزهای مشابه این ها، و از میوه ها: خرما و کشمش. و در سبزیجات و سبزی ها و میوه های تازه مثل تربوز و انار زکات نیست. و زکات از دانه ها پس از تصفیه آنها از پوست و گاه می باشد.

۲- این که حاصل با نصاب کامل باشد و آن پنج وسق می باشد.

۳- این که در ملکیت مالک معین باشد: پس بنا بر صحیح در چیز وقفی بر مساجد زکات نیست،

چون آن مالک معین ندارد.

و حنبلی ها سه شرط را شرط کردند<sup>۱۳</sup>

<sup>۹</sup> الکاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ۲/ ۵۷-۶۲.

<sup>۱۰</sup> أبو القاسم محمد بن أحمد بن جزى کلبی، القوانين الفقهية فی تلخیص مذهب المالکية (بی جا: بی نا، بی تا)، ۲۰۶.

<sup>۱۱</sup> أحمد عبد العزيز المزینی، الموارد المالية فی الإسلام (کویت: ذات السلاسل، ۱۴۱۴)، ۱۷۵.

<sup>۱۲</sup> أبو إسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الفيروزآبادي الشيرازي، المهذب في الفقه الإمام الشافعي (بيروت: دار الفكر، بی تا)، ۱/ ۱۵۶.

<sup>۱۳</sup> موفق الدين أبو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسي، المقنع في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، تحقيق محمود الأرناؤوط

- ياسين محمود الخطيب (بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۵)، ۲/ ۵۴۷-۵۵۵.

۱- این که حاصل قابل ذخیره سازی و باقی ماندن بوده از چیزهایی باشد که این اوصاف را جمع کنند: پیمانہ و بقاء و خشکی در دانه‌ها و میوه‌ها، از چیزهایی که انسانها آنها را می‌رویانند وقتی که در زمین خود شخص بروید، برابر است که یا مثل دانه‌ها خوراکه باشد، یا مثل عدس و نخود از حبوبات باشد، یا مثل زیره و دانه تره از غذاهای اشتها آور باشد، یا مثل دانه ترب و کنجد و سایر دانه‌ها از دانه سبزی‌ها باشد. و نیز در آن میوه‌هایی که این اوصاف را جمع کنند مانند خرما و کشمش و بادام و پسته فرض می‌شود. و در میوه‌های تازه مانند شفتالو و سیب زکات نیست و در سبزی مانند تره و بادرنگ و بادنجان و شلغم و زردک هم زکات نیست.

۲- این که حاصل به نصاب برسد و آن پنج وسق پس از تصفیه در دانه‌ها و خشکی در میوه‌ها می‌باشد.

۳- این که نصاب در وقت فرضیت زکات در آن در ملکیت انسان آزاد مسلمان باشد؛ و آن وقت سخت شدن دانه و آشکار شدن خوبی میوه است، پس زکات در آنچه از چیزهایی که انسان آن‌ها را کشت می‌کند که خودش روئیده باشد فرض می‌شود، مثل کسی که برایش دانه‌ای در زمینش بیفتد، پس بروید؛ چون این شخص آن را در وقت فرضیت مالک می‌باشد و انجام کشت شرط نیست، و در آنچه آن را خوشه چین به دست می‌آورد زکات نیست، یا برای او بعد از آشکار شدن خوبی آن بخشیده می‌شود، یا آن را می‌خرد و مانند این بعد از آن (آشکار شدن خوبی)، یا آن را دروگر و مانند او به حیث مزد درو خود و خرمن‌کوبی خود و مانند آن، مثل مزد تصفیه آن یا نگهبانی آن می‌گیرد، و نه در آن کشت و میوه پس از آشکار شدن خوبی آن که با خریدن یا میراث یا جز این دو مثل مهر و عوض خلع و اجاره و عوض صلح مالک می‌شود؛ چون این شخص در وقت فرضیت مالک آن نبوده است، و در آن چیز مباحی که آن را می‌چیند زکات نیست، برابر است که در زمین خودش روئیده باشد یا آن را از زمین بی‌فایده گرفته باشد؛ چون شخص جز با اخذ آن مالک نمی‌شود، پس در وقت فرضیت در ملکیت او نبوده است.<sup>۱۴</sup>

### چیزی که زکات در آن فرض می‌شود:

فقهاء در زکات چیزی که زمین آن را بیرون می‌کند دو رأی دارند، یک رأی در هر چیز خارج تعمیم می‌کند و رأی دیگر چیز خارج را در چیزهای که خوراکه هستند و ذخیره می‌شوند تخصیص می‌دهد. رأی اول از امام ابوحنیفه است: زکات در کم چیزی که زمین آن را بیرون کرده است و زیاد آن فرض می‌شود مگر هیزم و علف و نی فارسی (و آن چیزی است که از آن قلم جور می‌شود اما نی شکر، در آن عشر است) و شاخه درخت خرما و کاه، و هر آنچه که از آن بهره‌گیری زمین قصد نمی‌شود و در اطراف آن می‌باشد. اما وقتی زمینش را جای نی یا جای درخت یا جای روئیدن علف اتخاذ کند و آب را به آن سوق دهد و مردم را از آن منع نماید، پس در آن عشر فرض می‌شود. و فرضیت را در چیزی که آن را زمین بیرون

<sup>۱۴</sup>الزحیلی، الفقه الإسلامي وأدلته، ۳/۲۳۷-۲۳۹.

می کند مطلق گفته است برای عدم اشتراط حول؛ زیرا در آن معنی تکلیف (مالیه) است و از همین جهت امام می تواند که این زکات (عشر) را جبراً بگیرد و از ترکه گرفته می شود و با دین فرض می شود و در زمین نابالغ و مجنون و وقفی نیز.

و دلیل امام: حدیث «فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْعُيُونُ أَوْ كَانَ عَثْرِيَا الْعُشْرُ، وَمَا سَقِيَ بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ»<sup>۱۵</sup>. ترجمه: در آنچه آسمان و چشمه ها سیراب کنند یا از سنگاب آب بخورد عشر است و آنچه با پاشیدن آب آبیاری شود نصف عشر است. فرض را در هر خارج تعمیم کرده است.

رای دوم از یاران (امام ابو یوسف و امام محمد) و جمهور فقهاء است: زکات کشت ها و میوه ها فرض نمی شود مگر در آنچه قابل خوراکی بودن و ذخیره سازی باشد و در نزد حنبلی ها: در آنچه که خشک می شود و باقی می ماند و پیمانانه می شود، و در سبزی جات و میوه های تازه زکات نیست.<sup>۱۶</sup> بنا بر عموم دلیل؛ راجح قول امام ابوحنیفه است.

### نصایب که زکات کشت و میوه از آن آغاز می شود:

امام ابوحنیفه می گوید: نصاب برای فرضیت عشر شرط نیست، پس عشر در زیاد چیز خارج و کم آن فرض می شود، به دلیل عموم قول الله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ﴾<sup>۱۷</sup> ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید و از آنچه برای شما از زمین بر آورده ایم انفاق کنید. و قول پیامبر ﷺ «فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْعُيُونُ أَوْ كَانَ عَثْرِيَا الْعُشْرُ، وَمَا سَقِيَ بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ»<sup>۱۸</sup>. ترجمه: در آنچه آسمان و چشمه ها سیراب کنند یا از سنگاب آب بخورد عشر است و آنچه با پاشیدن آب آبیاری شود نصف عشر است. بدون جدایی بین کم و زیاد. و زیرا سبب فرضیت که زمین نمو کننده با چیز خارج است بین کم و زیاد فرق نمی کند.

و یاران (امام ابو یوسف و امام محمد) و جمهور فقهاء گفتند: نصاب شرط است، پس زکات در چیزی از کشت ها و میوه ها فرض نمی شود تا که به پنج وسق (۶۵۳ کگ) برسد، به دلیل قول پیامبر ﷺ «لَيْسَ فِيمَا دُونَ خَمْسَةِ أَوْسُقٍ صَدَقَةٌ»<sup>۱۹</sup>. ترجمه: در آنچه کم از پنج وسق باشد صدقه نیست. و این حدیث خاص به این زکات است، تقدیمش و تخصیص عموم دلایل امام ابوحنیفه لازم است، و چون این مالی است که زکات در آن فرض می شود، پس در اندک آن مانند سایر اموال زکاتی فرض نمی شود، و چون زکات

<sup>۱۵</sup> البخاري، "الزكاة"، ۵۵.

<sup>۱۶</sup> الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۳/۲۳۹-۲۴۰.

<sup>۱۷</sup> البقرة، ۲/۲۶۷.

<sup>۱۸</sup> البخاري، "الزكاة"، ۵۵.

<sup>۱۹</sup> أبو الحسن مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، تحقيق. محمد فؤاد عبد الباقي (بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا)، "الزكاة"، ۹۷۹.

بر ثروتمندان فرض می شود، و مانند سایر اموال زکاتی، ثروت بدون نصاب حاصل نمی شود.<sup>۲۰</sup> و به دلیل صحت حدیث، این دیدگاه راجح است.

### اندازه فرض و صفت آن:

فقهاء اتفاق کردند بر اینکه عشر در آنچه بدون مشقت آبیاری می شود مثل آبی که از آسمان (باران ها) می نوبند، و آنچه با رگهایش می نوبند؛ و آن همانی که از آب نزدیک به آن می نوبند فرض می شود. و نصف عشر در آنچه با مشقت آبیاری می شود مثل زمینهای که با دلو و آبیاری می شوند فرض می شود. و دلیل ایشان گفتار پیش گذشته پیامبر ﷺ است: «فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْعُيُونُ أَوْ كَانَ عَثْرِيًا الْعُشْرُ، وَمَا سَقِيَ بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ».<sup>۲۱</sup> ترجمه: در آنچه آسمان و چشمه ها سیراب کنند یا از سنگاب آب بخورد عشر است و آنچه با پاشیدن آب آبیاری شود نصف عشر است. پس اگر نیم سال با مشقت و نیم دیگر بدون مشقت آبیاری شود، در آن سه ربع عشر است، با عمل کردن به مقتضای هر واحد از آن دو. و اگر با یکی شان بیشتر از دیگر آبیاری شود، بیشتر اعتبار داده می شود، پس مقتضای آن فرض می شود و حکم دیگری ساقط می شود.

و اما صفت فرض: پس آن در نزد حنفی ها جزء از چیز خارج یا قیمت آن است. و اما در نزد جمهور: فرض عین جزء است و غیر آن جایز نمی باشد.<sup>۲۲</sup>

### زمان فرض شدن و اخراج زکات:

زمان فرضیت در نزد امام ابو حنیفه وقت بیرون شدن کشت و نمایان شدن میوه است، به دلیل قول الله تعالی: ﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ﴾<sup>۲۳</sup> ترجمه: از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم انفاق کنید. الله تعالی به انفاق از چیزی که آن را از زمین بر آورده است دستور داده است، پس دلالت نمود که فرضیت متعلق به خارج شدن است. پس اگر آن را صاحبش بعد از فرضیت استهلاک کند عشرش را تاواندار می شود، و اما پیش از فرضیت، تاواندار نمی شود و اگر چیز خارج خودش هلاک شود، در هلاک شونده عشر نیست.

زمان فرضیت در نزد مالکی ها: در میوه ها خوشمزگی است، و در کشت: خوشمزگی آن و رسیدنش به حد خوردن از آن، و استغنای آن از آبیاری است، نه به خشکی و درو و تصفیه.

و اما در نزد شافعی ها و حنبلی ها: پس زکات با آشکار شدن خوبی میوه فرض می شود؛ زیرا آن در این هنگام میوه کامل است، و با آشکار شدن سختی دانه؛ زیرا آن در این هنگام خوراک است.

<sup>۲۰</sup>الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۳/۲۴۵-۲۴۶.

<sup>۲۱</sup>البخاري، "الزكاة"، ۵۵.

<sup>۲۲</sup>الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۳/۲۴۷-۲۴۸.

<sup>۲۳</sup>البقرة، ۲/۲۶۷.

و مراد از فرضیت زکات به آنچه ذکر شد: اخراج آن فی الحال نیست، بلکه انعقاد سبب اخراج میوه و کشمش و دانه تصفیه شده در وقت این چنین گردیدن است.<sup>۲۴</sup>

### چیزی که برخی آن با برخی دیگر یکجا می‌شود:

علماء اتفاق کردند بر این که انواع میوه برخی آن با برخی یکجا می‌شود، و اگر چه در خوبی و خرابی و رنگ مختلف باشد، و همچنین انواع کشمش برخی آن با برخی و انواع گندم برخی آن با برخی یکجا می‌شود، و همچنین انواع سایر دانه‌ها.

و اتفاق کردند بر این که میوه‌ها جنسی با غیرش یکجا نمی‌شود، پس خرما با کشمش یکجا نمی‌شود.

و در یکجا شدن دانه‌های مختلف برخی آن با برخی، اختلاف کردند.

جمهور گفتند: هیچ چیزی از اینها در حساب نصاب یکجا نمی‌شود و نصاب در هر جنسی از اینها قائم به خود شمرده می‌شود، چون اینها اجناس مختلف هستند و اصناف زیاد هستند به حسب نامهایشان، پس جو با گندم یکجا نمی‌شود و نه این با آن، و نه خرما با کشمش و نه این با آن. و این مذهب امام ابوحنیفه و امام شافعی و یکی از روایات از امام احمد است و به این بسیاری از علمای گذشته مذهب گرفتند.<sup>۲۵</sup>

و مالکی‌ها و قاضی از حنبلی‌ها گفتند: گندم با جو یکجا می‌شود و حبوبات برخی‌شان با برخی یکجا می‌شود؛ زیرا همه این‌ها خوراکی هستند، پس برخی‌شان با برخی مثل انواع گندم یکجا می‌شود.<sup>۲۶</sup> و راجح قول جمهور است؛ چون آن ظاهر است.

### زکات میوه‌های وقفی:

فقهاء نظر به شرط بودن یا شرط نبودن ملکیت زمین، در زکات چیز وقفی دو رأی دارند، یک رأی زکات را فرض می‌داند و یک رأی آن را معاف می‌داند.

حنفی‌ها گفتند: شرط ملکیت چیز خارج شونده از زمین است، پس عشر در زمین‌های که مالک ندارند فرض می‌شود و آن زمین‌های وقفی هستند، به دلیل عموم قول الله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ﴾<sup>۲۷</sup> ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم انفاق کنید. و قول پیامبر ﷺ «فِيمَا

<sup>۲۴</sup> الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۳/۲۴۹.

<sup>۲۵</sup> سابق، فقه السنة، ۱/۳۶۰-۳۶۱.

<sup>۲۶</sup> الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۳/۲۵۰.

<sup>۲۷</sup> البقرة، ۲/۲۶۷.

سَقَّتِ السَّمَاءُ وَالْعُيُونُ أَوْ كَانَ عَثْرِيَا الْعُشْرُ، وَمَا سُقِّيَ بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ»<sup>۲۸</sup> ترجمه: در آنچه آسمان و چشمه‌ها سیراب کنند یا از سنگاب آب بخورد عشر است و آنچه با پاشیدن آب آبیاری شود نصف عشر است. و چون عشر در چیز خارج فرض می‌شود، نه در نفس زمین، پس ملکیت زمین و عدم آن به یک منزله است. مالکی‌ها مانند حنفی‌ها قول کردند.

شافعی‌ها گفتند: بنابر صحیح در میوه‌های باغ و غله قریه وقف شده بر مساجد و پُلها و دار المساکین و فقراء و مسکین‌ها زکات فرض نمی‌شود، چون آنها مالک معین ندارند.

و حنبلی‌ها تفصیل دادند، پس در چیز وقف شده بر معین چهار پایان اهلی باشد یا غله زمین و درخت باشد زکات را فرض دانستند، اگر حصه هر یکی به نصاب برسد، و در چیز وقف شده بر غیر معین یا مسجد آن را فرض ندانستند.<sup>۲۹</sup>

### زکات زمین اجاره‌ای:

فقهاء در این زکات بر دو رأی اختلاف کردند، آیا این بر اجاره دهنده است یا بر اجاره گیرنده است. امام ابو حنیفه می‌گوید: زکات زمین بر اجاره دهنده است؛ چون این از تکلیف زمین است پس این مثل خراج وظیفه است؛ زیرا بدل آن که مزد است از او است، پس طوری گردید که گویا خودش آن را کشت کرده باشد، و نیز زمین اصل فرضیت است.

و با امام یاران (امام ابو یوسف و امام محمد) مخالفت کردند و گفتند: زکات بر اجاره گیرنده است؛ زیرا عشر در چیز خارج فرض می‌شود و چیز خارج ملکیت اجاره گیرنده است، پس عشر مثل عاریت-گیرنده بر او می‌باشد. لیکن فتوی بر قول امام است و بر آن عمل می‌شود؛ چون آن ظاهر روایت است. پس اگر فرضیت زکات بر اجاره گیرنده نافعتر برای فقراء باشد، بر او فرض می‌شود، و به این متأخرین فتوی دادند. و جمهور گفتند: وقتی شخصی زمینی را اجاره بگیرد و آن را کشت کند، یا زمینی را عاریت بگیرد و آن را کشت نماید یا در آن میوه‌ای بکارد در آن زکات فرض می‌شود، پس عشر بر اجاره گیرنده و عاریت-گیرنده است نه بر مالک زمین؛ چون آن در کشت فرض است، پس بر مالک کشت می‌باشد و او اجاره گیرنده و عاریت گیرنده است، به دلیل قول الله تعالی: ﴿وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾<sup>۳۰</sup> ترجمه: و حق آن را روز برداشت محصول آن بدهید. و قول پیامبر ﷺ «فِيمَا سَقَّتِ السَّمَاءُ وَالْعُيُونُ أَوْ كَانَ عَثْرِيَا الْعُشْرُ، وَمَا سُقِّيَ بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ»<sup>۳۱</sup> ترجمه: در آنچه آسمان و چشمه‌ها سیراب کنند یا از سنگاب آب بخورد عشر است و آنچه با پاشیدن آب آبیاری شود نصف عشر است. و در فرضیت زکات بر مالک حق کشی است

<sup>۲۸</sup> البخاري، "الزكاة"، ۵۵.

<sup>۲۹</sup> الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۲۵۳/۳.

<sup>۳۰</sup> الأنعام، ۱۴۱/۶.

<sup>۳۱</sup> البخاري، "الزكاة"، ۵۵.

که منافی همکاری می باشد، و زکات از حقوق کشت است، به دلیل اینکه آن اگر زمین کشت نشود فرض نمی شود و به اندازه کشت مقید می باشد.<sup>۳۲</sup>

### نتیجه گیری

- زکات کشت ها و میوه ها به دلیل از قرآن و سنت و اجماع و عقل فرض است.  
 - برخی شرایط عمومی در هر زکات وجود دارند، و به این شرایط، شرایط خاص زکات کشت ها و میوه ها افزوده می شود، با تفصیلات آن در مذهب حنفی: این که زمین عشری باشد، وجود چیز خارج و این که چیز خارج از اشیائی باشد که مقصود از کشت آنها نموی زمین و بهره برداری آن میباشد.  
 - امام ابو حنیفه می گوید: زکات در کم چیزی که زمین آن را بیرون کرده است و زیاد آن فرض می شود.

- یاران (امام ابو یوسف و امام محمد) و جمهور فقهاء گفتند: نصاب برای فرضیت عشر شرط است و آن پنج وسق (۶۵۳ ک گ) است.

- فقهاء اتفاق کردند بر این که عشر در آنچه بدون مشقت آبیاری می شود فرض می شود. و نصف عشر در آنچه با مشقت آبیاری می شود فرض می شود. پس اگر نیم سال با مشقت و نیم دیگر بدون مشقت آبیاری شود، در آن سه ربع عشر است. و اگر با یکی شان بیشتر از دیگر آبیاری شود، بیشتر اعتبار داده می شود. و اما صفت فرض: پس آن در نزد حنفی ها جزء از چیز خارج یا قیمت آن است.

- زمان فرضیت در نزد امام ابو حنیفه: وقت بیرون شدن کشت و نمایان شدن میوه است. و مراد از فرضیت زکات به آنچه ذکر شد: اخراج آن فی الحال نیست، بلکه انعقاد سبب اخراج میوه و کشمش و دانه تصفیه شده در وقت این چنین گردیدن است.

- علماء اتفاق کردند بر این که انواع میوه برخی آن با برخی یکجا می شود، و همچنین انواع کشمش برخی آن با برخی و انواع گندم برخی آن با برخی یکجا می شود، و همچنین انواع سایر دانه ها. و اتفاق کردند بر این که میوه ها جنسی با غیرش یکجا نمی شود. و در یکجا شدن دانه های مختلف برخی آن با برخی، اختلاف کردند. جمهور گفتند: هیچ چیزی از اینها در حساب نصاب یکجا نمی شود.  
 - حنفی ها گفتند: شرط ملکیت چیز خارج شونده از زمین است، پس عشر در زمین های وقفی فرض می شود.

- امام ابو حنیفه می گوید: زکات زمین بر اجاره دهنده است. اگر فرضیت زکات بر اجاره گیرنده نافعتر برای فقراء باشد، بر او فرض می شود، و به این متأخرین فتوی دادند.

<sup>۳۲</sup>الزحیلی، الفقه الإسلامي وأدلته، ۳/۲۵۴.

## منابع

- ابن جزري، أبو القاسم محمد بن أحمد كلبى. القوانين الفقهية فى تلخيص مذهب المالكية. بی جا: بی نا، بی تا.
- البخارى، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. تحقيق. محمد زهير بن ناصر ابن ناصر. بيروت: دار طوق النجاة، ١٤٢٢.
- الزحيلي، وهبة بن مصطفى. الفقه الإسلامى وأدلته. دمشق: دار الفكر، چاپ چهارم، بی تا.
- السبكي، أبو محمد محمود بن محمد بن أحمد بن خطاب. الدين الخالص. بی جا: بی نا، چاپ سوم، ١٤٠١.
- الشيرازي، أبو إسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الفيروزآبادي. المهذب فى الفقه الإمام الشافعي. بيروت: دار الفكر، بی تا.
- القرضاوى، يوسف. فقه الزكاة. بی جا: بی نا، بی تا.
- الكاساني، أبو بكر بن مسعود الحنفي علاء الدين. بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع. بيروت: دار الكتاب العربى، ١٩٨٢.
- المزنى، أحمد عبد العزيز. الموارد المالية فى الإسلام. كويت: ذات السلاسل، ١٤١٤.
- المقدسى، موفق الدين أبو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة. المقنع فى فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيبانى. تحقيق. محمود الأرنؤوط - ياسين محمود الخطيب. بيروت: دار الفكر، ١٤٠٥.
- سابق، السيد. فقه السنة. بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ سوم، ١٣٩٧.
- مسلم، أبو الحسن بن الحجاج القشيري النيسابورى. المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم. تحقيق. محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٩٩١.

